

آزادگی - صفحه ۵۹

#تاریخ_ادبیات:

جامی: صفحه ۱۳۹ کتاب درسی

#معنای_لغات:

لحن: آهنگ صدا / رغبت = میل، اشتیاق / خارکش: کسی که شغل او خارکندن از بیابان است؛ اینجا کسی که خار حمل می‌کند / دلق: لباسی از جنس پشم و فرسوده (نوعی جامه‌ی پشمین که فقیران می‌پوشند) / دُرشت: ضخیم / پُشته: توده، انبوه، باری روی دوش / همی برد: می‌برد / پشت: دوش / کای: که ای / فرزانه: برپا کننده، بلند کننده / نوازنده: نوازشگر، التیام‌بخش / نژند: غمگین، غم گرفته، سرد و بی روح / جیب: یقه، گریبان / نظر: نگاه کردن / عزیزی: مورد احترام و محبت قرار گرفتن، مهربانی / دولت: خوشبختی، سعادت، نیک‌بختی، اقبال / رخ: چهره / بگشادی: بازکردی / عزت: بزرگواری، سرافرازی، ارجمندی / بنهادی: قرار دادی / حد: اندازه / حد من نیست: من شایسته این نیستم / ثنا: حمد و ستایش / گوهر: مروارید، سنگ باقیمت / عطا: بخشش / سفتن: سوراخ کردن، شکافتن / مغرور: فریب خورده / رخس: اسب رستم، در اینجا اسب / پندار: وهم، گمان / خرف: خرفت، کم عقل، نادان / خموش: ساکت باش / زین سان: اینگونه / گام زدن: قدم برداشتن / خواری: ذلت، پستی / باخته‌ای: از دست داده‌ای / زین: از این / به: بهتر / نیم (نی ام): نیستم / در: درگاه / بالین: بالش، بستر خواب / فلان: فلانی، اسم مبهم / چاشت: صبحانه / آشام: بیاشامم، بنوشم / خوار: ذلیل / نساخت: نکرد / خس: خاشاک / گرفتار: نیازمند / افتادگی: ضعف، ناتوانی / عز: عزت، ارجمندی / آزادگی: جوانمردی، بزرگ منشی، آزاد بودن

#معنای_شعر:

بیت اول: خارکش پیری که لباس پشمی ضخیمی به تن داشت، مقداری خار را با خود حمل می‌کرد.

بیت دوم: لنگ لنگان و آرام، راه می‌رفت و در هر قدمی که برمی‌داشت، خدا را شکر می‌کرد.

بیت سوم: ای [خدایی] که برپا کننده آسمان هستی (آسمان را برافراستی) و نوازشگر دل‌های غمگین می‌باشی.

بیت چهارم: هنگامی که به سر تا پایم نگاه می‌کنم، پی می‌برم که چه قدر در حق من لطف و محبت کرده‌ای.

بیت پنجم: مرا به سعادت و خوشبختی رساندی و سرافراز و ارجمندم کردی .

بیت ششم: من شایسته این نیستم که تو را ستایش کنم و شکر نعمت‌های تو را به جای آورم.

بیت هفتم: نوجوانی که از جوانی خود مغرور بود، مغرورانه، به سوی خارکش آمد.

بیت هشتم: شکرگزاری او به گوش جوان مغرور رسید و گفت: ای پیرمرد نادان! ساکت باش.

بیت نهم: چگونه خود را سرافراز و نیک بخت می‌دانی، در حالی که این طور، خار به پشت داری و به سختی، راه می‌روی؟

بیت دهم: تو فرق بین سرافرازی و پستی را نمی‌دانی و همه‌ی عمر خودت را با خارکشی، هدر داده‌ای.

بیت یازدهم: پیرمرد گفت: که چه سرافرازی بهتر از اینکه نیازمند و محتاج تو نیستم.

بیت دوازدهم: [نمی‌گویم] که ای فلانی به من صبحانه یا شام بده و نان و آب به من بده تا بخورم و بنوشم.

بیت سیزدهم: [به خاطر این] خدا را شکر می‌گویم که مرا پست و حقیر نکرد و به آدم فرومایه و پستی مانند تو محتاج نساخت.

بیت چهاردهم: خداوند [را سپاس می‌گویم که] با تمام بیچارگی و ناتوانی‌ام، به من عزت آزادی و بی‌نیازی بخشیده است.

#آرایه_ها:

بیت اول: خارکش، خار، پُشته: تناسب / پشته و پشت: جناس ناقص افزایشی / بیت دوم ← دانه‌ی شکر: اضافه‌ی تشبیهی / بیت سوم ← تکرار حرف «ن»: واج آرایی / چرخ بلند: استعاره از آسمان / بیت چهارم ← جیب تا دامن = سر تا پا: مجاز از تمام وجود و جسم / جیب و دامن: تناسب / تا و با: جناس ناقص اختلافی / بیت پنجم ← در دولت گشودن: کنایه از سعادت و خوشبختی / در دولت: اضافه‌ی استعاری / تاج عزت: اضافه‌ی تشبیهی / تاج عزت بر سر نهادن: کنایه از خوشبخت کردن / بیت ششم ← گوهر شکر: اضافه‌ی تشبیهی / سفتن گوهر شکر: کنایه از سپاسگزاری کردن از لطف خداوند با سخنان دلنشین / بیت هفتم ← رخس پندار: اضافه‌ی تشبیهی / رخس پندار راندن: کنایه از مغرور و متکبر بودن / بیت دهم ← عزت و خواری: تضاد / عمر باختن: کنایه از هدر دادن عمر / بیت یازدهم ← بالین نه: کنایه از محتاج و نیازمند / در تو = درب خانه تو ← در: مجاز از خانه (جزء به کل) / بیت دوازدهم ← چاشت، شام، نان و آب: تناسب / نان و آب: مجاز از رزق و روزی / خوردن و آشامیدن: تناسب / بیت سیزدهم ← خس: استعاره از انسان فرومایه و پست / خسی چون تو: تشبیه

#نکات_دستوری:

همی‌برد: ماضی استمراری (= می‌برد) / بیت سوم ← کای فرازنده... = ای (کسی که) فرازنده‌ی...: حذف منادا به قرینه‌ی معنوی / ای نوازنده... = ای (کسی که) نوازنده‌ی...: حذف منادا به قرینه‌ی معنوی / همی‌راند (= می‌راند): ماضی استمراری / آمد آن شکرگزاریش به گوش = آن شکرگزاری به گوشش آمد ← جهش ضمیر؛ مرجع: جوان - مضافُ الیه (گوش او) / خموش (باش): حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / زین سان گام (زنی): حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / عزیزیت کدام (است): حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / بیت یازدهم ← چه عزت زین به = چه عزتی بهتر از این (است): حذف فعل به قرینه‌ی معنوی / شامم: شام به من؛ م ← متمم

#خودارزیابی:

۱) محتاج دیگران به خصوص انسان‌های پست و فرومایه نبودن

۲) پیرمرد انسانی وارسته، آزاده، قانع و شکرگزار است؛ نوجوان مغرور، ظاهربین، ناسپاس و بی ادب.

۳) اجتناب از بیان اشتباهات دیگران - شکرگزار نعمت‌های خدا بودن - قانع بودن

قالب شعر: مثنوی

فارسی تدریس - کانال تدریس ادبیات و زبان فارسی

  @farsitadris